

۱۹ بهمن



صحنه ای از سرکوب های وحشیانه اخیر و مقاومت مردم!

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۵۵ - ۱۵ خرداد ۱۳۸۶

حجاریان و زبان جدید سرکوبگران!

زبان هنوز ساخته نشده است."

سخنان فوق بخشی از موعظه های فریبکارانه سعید حجاریان، یکی از بانیان دستگاه های امنیتی و سرکوبگرانه مخوف جمهوری اسلامی و مغز متفکر "پروژه اصلاحات" در این حکومت می باشد که اخیرا در جریان دیدار او با دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایراد شده است. وی در جریان سخنان خود، ضمن اعتراف به "بحران رژیم" و تاکید بر اینکه "جوانان آن چه را که موجود است پس می زنند و گوش نمی کنند"، " راه حل برون رفت از فضای فعلی" را رفتن به دنبال " جدایی نهاد دین از نهاد دولت" و "سکولاریسم" خواند.

ستمیدیده بپردازند و با گرفتن پزهای "دمکراتیک" بار دیگر برای "پروژه اصلاحات خود" بازار گرمی کرده و با ایجاد اغتشاش فکری خاک در چشم توده ها بپاشند. در همین رابطه است که ما شاهدیم بار دیگر فعالیت های دارو دسته حجاریان در دفاع از چهارچوب ضد خلقی جمهوری اسلامی تشدید شده و ایشان در راستای هدف ضد انقلابی فوق به سخنرانی و تبلیغ اصلاحات در این دانشگاه و آن دانشگاه می پردازند.

**"مردم ایران دیگر به دیکتاتوری تن نمی دهند"،
" در حال حاضر باید به دنبال زبان مناسبی گشت که با زبان دینی دستگاه فرق داشته باشد و این**

موج جدیدی از مخالفتها و جنبشهای توده ای ضد رژیم که در ماه های اخیر جامعه ما را در نوردیده است، تمامی مرتجعین و نمایندگان طبقه استعمارگر حاکم را به تلاشی مضاعف برای حفظ نظام ضد خلقی کنونی واداشته است. در حالی که رژیم سرکوبگر حاکم در مقابله با توده های گرسنه و بیکار و خشمگین از مظالم حکومت، همچون همیشه شمشیر را از رو بسته و به قلع و قمع هر گونه مخالفت ولو کوچک سیاسی پرداخته، در شرایطی که خیابانها و کوچه های تمامی شهرها به صحنه فداره بندی

و قلع و قمع وحشیانه کارگران و زحمتکشان و زنان و دانشجویان و بویژه جوانان توسط نیروهای سرکوبگر حکومت زیر نام "مبارزه با اراذل و اوباش" بدل گشته، در شرایطی که حکومت با ارتکاب به جنایات وحشتناک و نمایش آنها در سطح عمومی در صدد خفه کردن هرگونه ندای مخالف و گسترش سلطه اختناق در سراسر جامعه است، خدمتگزاران و نمایندگان مرتجع این نظام نیز در لباس مخالفت با "دیکتاتوری" به میدان آمده و می کوشند تا به دروغ به طرفداری از خواستهای برحق توده های

شکست و رسوایی رژیم جمهوری

اسلامی و میزبانانش در کانادا!

روز ۲۷ ماه مه ۲۰۰۷ قرار بود که کنفرانسی با شرکت برخی از دست اندرکاران جنایتکار جمهوری اسلامی در دانشگاه واترلو در کانادا برگزار شود. سازمان برگزار کننده این کنفرانس، ظاهرا یک سازمان مسیحی بود که با هماهنگی با دولت کانادا از محمد تقی مصباح یزدی یکی از مهره های

سرکوبگر رژیم و از تئوری پردازان خشونت و جنایت بر علیه مردم ایران، که در "مرکز پژوهشهای" دینی خمینی در قم مشغول به کار است، دعوت

کرده بود که در این کنفرانس سخنرانی کند. بر ملا شدن این خبر، با موجی از اعتراض نیروهای مترقی و ایرانیان آزادیخواه در کانادا مواجه شد. تا جایی که تحت تاثیر این اعتراضات سرانجام شرکت محمد تقی مصباح یزدی در این کنفرانس لغو شد

در صفحه ۴



آن چه که در نگاه اول از اظهارات سعید حجاریان به عنوان یکی از صدیق ترین خدمتگزاران و متفکران رژیم سرپا جنایت و سرکوب جمهوری اسلامی بر می آید عبارت از تلاش "معمار اصلاحات" برای تاثیر گذاری و منحرف کردن افکار عمومی و بویژه دانشجویان آگاه و مبارزی ست که با دیدن مظالم نظام، به دنبال "چه باید کرد"ی هستند که نقطه پایانی بر دردها و رنجهای مردم ما بگذارد. درست به همین خاطر است که او به هر دری می زند تا عامل اصلی فقر و ادبار توده ها یعنی نظام سرمایه داری وابسته را از زیر ضرب خارج سازد و راه

حل را در یافتن یک "زبان مناسب" و یا حد اکثر "جدایی دین از دولت" آنها در چارچوب دیکتاتوری عنان گسیخته جمهوری اسلامی جا بزند. اما برای کارگران، دانشجویان، زنان و کلا توده های تحت ستمی که تجربه ۲۸ سال حکومت ظلم و سرکوب جمهوری اسلامی را به چشم دیده و با وجود خود حس کرده اند، برای مردمی که تجربه ۸ سال "زبان اصلاحات" آقای حجاریان و دارودسته ایشان را با گوشت و پوست لمس کرده و نتایج ضد خلقی آن را در تحکیم نظام و رژیم سرکوبگر حاکم شاهد بودند، افاضات جدید آقای حجاریان و دعوت او از توده ها برای از بین بردن دیکتاتوری با کمک اصلاحات و در چارچوب نظام دیکتاتوری جذابی نخواهد داشت.

حجاریان در شرایطی فریبکارانه از "تن ندادن مردم ایران به دیکتاتوری" و مزایای "سکولاریسم" برای دانشجویان لاف می زند و از مزایای جنبش اصلاح طلبی سخن می راند که دیکتاتوری حاکم در تمام طول حاکمیت خویش و بویژه در جریان ۸ سال دولت خاتمی فریبکار نشان داده که ظرفیت پذیرش کوچکترین خواسته های برحق توده ها و قبول کمترین تحول دمکراتیک را نداشته و ندارد؛ چه رسد به پذیرش جدایی دین از دولت! او در شرایطی از تلاش برای یافتن "زبان جدید" و پافشاری بر "اصلاحات" در چارچوب نظام ضد خلقی حاکم دم می زند که همکاران او در راس نظام با بیشرمی تمام از ضرورت "اعدام بی درنگ" جوانان و توده های تحت ستمی سخن می گوید که

رژیم صد ها تن از آنان را زیر نام "اراذل و اوپاش" دستگیر و شکنجه کرده و به زندان انداخته است. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در تجربه حیات سیاه خود ثابت کرده که تا آنجا که به توده های تحت ستم و خواسته های برحق اقتصادی و سیاسی آنها باز می گردد با "زبانی" جز "زبان سرکوب" با آنها سخن نمی گوید. اما در این میان "زبانی" هم وجود دارد که حجاریان ها و سایر خدمتگزاران نظام، فریبکارانه از آن برای تبلیغ "افسانه اصلاحات"، استفاده می کنند، اما این زبان چیزی جز زبان فریب و ریا نیست که بویژه در سالهای اخیر همواره مکمل زبان رسمی دیکتاتوری حاکم در سرکوب وحشیانه توده های تحت ستم بوده است.

۲۵۰ هزار کارگر در سال گذشته اخراج شده اند!

تحت حاکمیت رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی تنها در طول سال گذشته بیش از ۲۵۰ هزار کارگر از بنگاه های تولیدی اخراج شده اند. این واقعیت هولناکی ست که اخیرا توسط "رییس اتحادیه کارگران قراردادی" بدان اعتراف شده است. رجبعلی شهبواری که این خبر را در مصاحبه با خبرنگاری موج عنوان کرده ادامه داده که "تعداد کارگران قراردادی در سال گذشته ۵۶ درصد بود که پیش بینی می شود در سال جاری به بالای ۶۰ درصد افزایش یابد"

تجربه ۲۸ سال حکومت جمهوری اسلامی نشان داده که آمارهای منتشره توسط دست اندرکاران ضد خلقی این حکومت در مورد وضعیت حیات و معاش کارگران هیچ گاه تمام حقیقت را منعکس نکرده و عمق جنایات غیر قابل توصیفی که سرمایه داران زالوصفت وابسته و رژیم مدافع منافع آنان در حق طبقه کارگر ایران مرتکب شده اند را بیان نمی کند. اما صرف نظر از این واقعیت، حتی اگر معیار را ادعاهای همین کارگزار حکومت یعنی اخراج وحشیانه ۲۵۰ هزار کارگر در طول سال گذشته قرار دهیم، آن گاه گوشه ای از گستردگی یورش ضد خلقی ای ترسیم خواهد شد که بویژه در سالهای اخیر سرمایه داران وابسته و رژیم جمهوری اسلامی بر علیه شرایط کار و معیشت میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان ما سازمان داده اند. در چارچوب همین یورش است که ما شاهدیم جمهوری اسلامی برای برآوردن منافع نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ایران چگونه در جهت بالا بردن سودهای هنگفتی که از بابت استثمار کارگران نصیب سرمایه داران داخلی و خارجی می گردد، هر روز بر شدت استثمار کارگران زحمتکش ما افزوده و در همان حال با تصویب روزمره قوانین ضد خلقی، حد اقل حقوق معیشتی و کاری میلیونها تن از کارگران را زیر پا گذارده، کارگران را دسته دسته و بدون تقبل کمترین مسئولیتی پس از سالها از کار اخراج می کند، قراردادهای موقت را به آنها تحمیل می کند، و در یک کلام، با آنها همانند برده داران با برده ها- منتها در قرن بیست و یکم- رفتار می کند. در نتیجه چنین سیاستی ست که می بینیم اوضاع کار و معاش صد ها هزار تن از کارگران زحمتکش و خانواده های محروم آنان هر روز به فقرا گریبده و زندگی آنان در منجلاب فقر و بدبختی، بیکاری و گرسنگی، فحشاء و ده ها آلام اقتصادی و اجتماعی دیگر غرق می شود. واقعیتی که با برجستگی تمام به کارگران آگاه و مبارز نشان می دهد که راه برخورداری یک زندگی انسانی و در شان کارگران زحمتکش ایران تنها و تنها از مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی و تمامی بنیادهای استثمارگرانه جامعه و نظام وحشیانه کنونی می گذرد.

انفجارهای تروریستی لندن و افکار عمومی!

با گذشت نزدیک به سه سال از واقعه انفجارهای تروریستی لندن که جان ده ها تن از مردم بیگناه را گرفت، افکار عمومی در بریتانیا هر چه بیشتر نسبت به ادعاهای دولت انگلیس در مورد معرفی دارو دسته "القاعده" به عنوان مسبب این فاجعه بی اعتماد شده است. این بی اعتمادی به حدی است که حتی شمار بسیار زیادی از مردم آگاه و حقیقت جو با اتکا به رویدادهای پس از این حادثه (از جمله رد تشکیل یک کمیسیون مستقل و غیر دولتی برای تحقیق در باره ماجرای آن ترور ها توسط دولت) و بهره برداریهای سیاسی دولت انگلیس از این فاجعه، بر نقش دستگاه های امنیتی این کشور در انفجارهای ۷ جولای تاکید می کنند. در همین رابطه اخیرا روزنامه دیلی میور مورخ ۵ جون ۲۰۰۷ در خبری تحت عنوان "مسلمانان: MI5 در پشت انفجارات ۷/۷، می نویسد: تقریبا یک چهارم مسلمانان بریتانیایی اعتقاد دارند که سرویسهای امنیتی بریتانیا در ورای حادثه انفجار ۷/۷ بوده اند این روزنامه با "شوکه کننده" خواندن این آمار اضافه می کند که ایده فوق در جریان یک "نظر سنجی" توسط مرکز نظر سنجی شبکه اخبار کانال ۴ انگلیس اعلام شد. در جریان این نظر سنجی روشن گشته که ۲۴ درصد از مسلمانان بریتانیایی عقیده دارند که دولت این کشور و یا سازمانهایی نظیر MI5 در این ماجرا "به گونه ای دخالت داشته اند". همچنین ۵۲ درصد ۵۰۰ مسلمان بریتانیایی مورد سوال قرار گرفته در این نظر سنجی مطرح می کنند که سرویسهای امنیتی مدارکی را " بر علیه ۲ مظنون بمب گذاری که در روز نامبره ۵۲ تن از مردم را به قتل رساندند ساخته بودند." ۶۸ درصد از مورد پرسش قرار گرفته گان تاکید کرده بودند که جامعه مسلمانان بریتانیا مسئولیتی را در قبال ظهور افراط گرایان مسلمان در بریتانیا ندارند. نتایج این تحقیقات در شرایطی اعلام شده که تونی بلر اعلام کرد که برای کمک به آموزش روحانیون مسلمان در دانشگاه های بریتانیا مبالغی را اختصاص خواهد داد تا مانع از ورود آخوندهای مسلمان افراطی ای شود که از خارج برای تدریس به انگلستان می آیند. او گفت اکنون زمان شنیدن "صدای حقیقی اسلام" می باشد.



آمریکا و خون یغمای عراق

شرکتهای امپریالیستی در خواهد آمد. با توجه به اشغال عراق و حضور نظامی گسترده ارتش آمریکا در این کشور و با توجه به این واقعیت که قدرت سیاسی اصلی در عراق امروز اصولاً در دست آمریکا ست. از هم اکنون روشن است که برندگان اصلی این خصوصی سازی - بخوان غارتگری- کسانی جز کمپانی های نفتی آمریکا نخواهند بود. با "قانونی" کردن انحصار و غارت دراز مدت منابع انرژی عراق توسط امپریالیسم آمریکا، دولت این کشور نه تنها جریان بخش قابل توجهی از نیازهای نفتی برای "رشد اقتصادی" خود را تضمین خواهد کرد بلکه با تبدیل عراق به یک پایگاه بزرگ نظامی برای نیروهای خویش جریان کلی توزیع نفت منطقه که سایر قدرتهای امپریالیستی نیز به درجات متفاوت به آن متکی هستند را نیز کنترل خواهد کرد. هم اکنون دولت آمریکا بیش از ۱۸۰۰۰۰ سرباز رسمی و ۱۵۰۰۰۰ مزدور کنتراتی در زمینه های مختلف در این کشور مستقر ساخته و ۱۴ پایگاه بزرگ و ثابت نظامی در سراسر عراق در اختیار دارد.

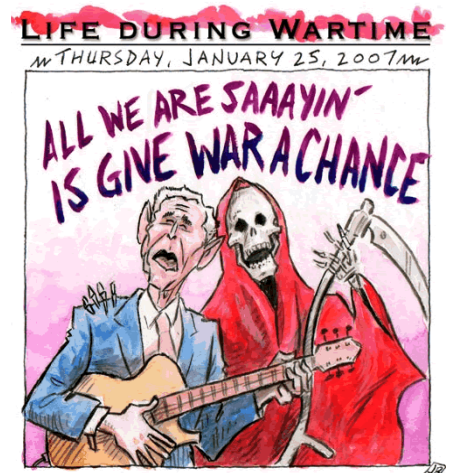
واقعیت فوق بخشی از منافع اقتصادی و واقعی جنگ کنونی برای امپریالیسم آمریکا را نشان می دهد که با فریبکاری تمام لشکر کشی ضد خلقی و سلاخی مردم محروم عراق را زیر نام "مبارزه با تروریسم" و برقراری "آزادی و دموکراسی" در عراق توجیه می کند. این واقعیت همچنین رسوایی مرتجعین و نادانانی را به نمایش می گذارد که از آغاز اشغال عراق برای ارتش متجاوز و جنایتکار آمریکا و دولت بوش کف زده و تمامی اعمال تبهکارانه آنها برعلیه مردم محروم و مبارز عراق را زیر نام به ارمغان آوردن "دموکراسی" و "آزادی" تایید کردند.

در تاریخ ۲۴ می، خبرگزاریها از تصویب بودجه ۱۲۰ میلیارد دلاری دولت بوش برای ادامه جنگ در عراق توسط کنگره این کشور خبر دادند. این لایحه که زیر نام فریبکارانه "حمایت از ارتش" ارائه گشت، پس از یک سری مناقشات و جدلهای مابین دمکراتها (مدعیان مخالفت با تداوم سیاستهای بوش در جنگ عراق) و جمهوریخواهان مورد تصویب قرار گرفت و پافشاری طبقه حاکم در این

کشور برای ادامه سیاستهای میلیتاریستی و ضد خلقی امپریالیسم آمریکا را جلوه گر ساخت. برغم رشد روزافزون مخالفت توده های آگاه و نیروهای مترقی با سیاستهای دولت بوش، این لایحه بار دیگر قاطعیت و اراده امپریالیسم آمریکا در تداوم برنامه های جنگی و تجاوزگرانه این کشور برعلیه توده های تحت ستم عراق را به نمایش گذارد؛ امری که معنای آن جز خونریزی و ویرانی و فاجعه هر چه بیشتر برای مردم رنج دیده عراق و منطقه نبوده و نیست.

جدا از این واقعیت اما آنچه که در جریان تصویب لایحه مذکور در کنگره آمریکا اتفاق افتاد و در بلندگوهای جیره خوار امپریالیستی انعکاسی نیافت عبارت از تصویب بندی بود که مطابق آن کنگره آمریکا با بیشمیری تمام، پرداخت بودجه مربوط به بازسازی عراق به دولت این کشور را منوط به پذیرش قانون ضد خلقی "خصوصی سازی نفت عراق" توسط پارلمان دست نشانده این کشور نموده است. به عبارت ساده تر مطابق مصوبات کنگره آمریکا "اگر پارلمان عراق قانون خصوصی سازی نفت عراق را نپذیرد، از بودجه برای بازسازی عراق (بخوان باز سازی آنچه که ارتش آمریکا نابود کرده است) نیز خبری نخواهد بود. "قانون خصوصی سازی نفت عراق بوسیله یک موسسه مشورتی حقوقی آمریکایی که توسط دولت بوش اجیر گشته، نوشته شده است.

بر طبق نقشه های غارتگرانه دولت آمریکا که در این طرح منعکس شده، از مجموع ۸۰ منطقه نفتی موجود در عراق کنترل تنها ۱۷ عدد (کمتر از یک پنجم) در اختیار "شرکت ملی نفت عراق" قرار می گیرد و پارلمان عراق موظف است تا ۶۳ حوزه نفتی دیگر را زیر نام "خصوصی سازی" با کنتراتهایی طولانی مدت به مدت ۲۰-۳۰ سال (یعنی به اندازه عمر مفید یک حوزه نفتی) به شرکتهای نفتی امپریالیستی واگذار کند. چپاولگرانه بودن این قرارداد زمانی بیشتر آشکار می گردد که دریابیم مطابق طرح ضد خلقی آمریکا نه تنها منابع کنونی بلکه تمامی منابع نفتی ای که در آینده در عراق کشف شوند (با توجه به این که عراق به عنوان کشوری شناخته شده که یکی از بزرگترین منابع دست نخورده نفتی جهان را داراست) نیز مشمول این قانون شده و به تملک



و قرار شد که پسرش علی مصباح یزدی به همراه ۵ نفر دیگر از آدم کش های رژیم در این کنفرانس شرکت کنند. همچنین، موسسه مسیحی میزبان با مشاهده اعتراضات گسترده ایرانیان، جلسه اول کنفرانس در روز یکشنبه ۲۷ مه را لغو کرد و حتی کنفرانس سه روزه را به یک روز تقلیل داد و قرار شد تا این کنفرانس، روز ۲۸ ماه مه ساعت ۷ بعد از ظهر برگزار شود.

لازم به توضیح است که دانشگاه واترلو با شهر تورنتو که محل زندگی اکثر ایرانیان مقیم استان انتاریو (ایرانیانی که در این حرکت شرکت کردند) می باشد، حدوداً ۲ ساعت فاصله دارد. و تغییر زمان کنفرانس و تغییر زمان آن از یکشنبه به دوشنبه در واقع به این دلیل انجام شد که امکان اعتراض و تجمع ایرانیان هر چه محدودتر گردد.

با وجود تمام این تمهیدات در روز کنفرانس، حضور بیش از حد نیروهای پلیس ضد شورش برای برگزاری این جلسه غیر قابل باور و نشانگر هراس برگزار کنندگان از نیروهای آزادیخواه و معترضی بود که برغم جو پلیسی حاکم برای افشای چهره ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی و سخنرانان اعزامی به محل برگزاری کنفرانس آمده بودند. صحنه تظاهرات با حرکت های مشابه در کانادا بسیار فرق داشت.

از ساعت ۶ بعد از ظهر رفته رفته ایرانیان معترض به این کنفرانس، خود را به محل رساندند. در میان جمعیت حاضر، حضور قربانیان و زندانیان سیاسی سابق رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی چشمگیر می نمود. همچنین فعالین سیاسی و مبارزان افغانی مقیم کانادا در پیوند با مبارزات ایرانیان و در اعتراض به آزار و اذیت و اخراج افغانهای ساکن

ایران به محل کنفرانس آمده بودند تا صدای اعتراض خود را به حضور عوامل جنایتکار رژیم در کانادا نشان دهند.

در این حرکت، تظاهر کنندگان با در دست داشتن عکسهای از اعدام و سنگسار و شکنجه زنان توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، جلوه هایی از جنایات این رژیم را به نمایش در آورده و این رژیم را رسواتر و بی آبروتر کردند. پیش از شروع کنفرانس تعدادی از معترضین خود را به درون سالن رسانده بودند. با شروع جلسه صدای اعتراض به حضور هیئت مزدوران رژیم جمهوری اسلامی از جانب معترضینی که وارد سالن شده بودند، بالا گرفته و رفته رفته فریاد های اعتراض به اوج رسید تا جایی که به وضوح معلوم بود که علی مصباح یزدی و دیگر مزدورانی که در صحنه بودند، هراسان شده و کنترل خود را از دست داده بودند بطوری که رنگ صورتشان نیز تغییر کرده بود. به این ترتیب تنها حدود ۱۰ دقیقه پس از شروع برنامه، مسئولین کنفرانس متوجه شدند که در چنین شرایطی قادر به ادامه کنفرانس نیستند و با رسوایی تمام خاتمه کنفرانس را اعلام کردند. اما حتی اعلام ختم کنفرانس نیز مانع از ادامه اعتراض تظاهرکنندگان نشد. با تداوم اعتراض و بالاگرفتن صدای اعتراض ایرانیان مبارز، پلیس ضد شورش که محل را در کنترل داشت و تعدادشان از ۲۰۰ نفر تجاوز می کرد، اعضای هیئت جمهوری اسلامی را در حمایت خود گرفته و از سالن بیرون آوردند و با اتومبیل. پلیس آنها را از صحنه خارج کرده و از خشم معترضین نجاتشان دادند.

در خارج از سالن نیز زمانی که سخنرانان با اسکورت پلیس از سالن کنفرانس بیرون می آمدند، صدای فریاد "مرگ بر جمهوری اسلامی" ایرانیان و افغانیان معترض بر تمام فضای دانشگاه واترلو طنین افکن بود. علی مصباح یزدی و همکاران جنایتکارش از موسسه امام خمینی که با دیدن خشم و نفرت ایرانیان، هول شده بودند، دمشان را روی کولشان گذاشتند و فرار را بر قرار ترجیح دادند. فرار جنایتکاران لبخند پیروزی بر لبان ایرانیان مبارزی آورد که آمده بودند تا کنفرانسی که با هدف فریب افکار عمومی و تبلیغ و توجیه جنایات

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی تشکیل شده بود را به هم بزنند و خشم و اعتراض خود را اعلام کنند.

تجربه این حرکت مبارزاتی یک بار دیگر نشان داد که با نیرویی هر چند کم (از نظر تعداد) اما مصمم و قاطع می توان بساط فریبکاریهای جمهوری اسلامی و مرتجعین را در هم ریخت. همانطور که شرکت کنندگان در این اعتراض چنین کردند و ترس و زبونی و خشم از شکست را در چهره علی مصباح یزدی و دیگر جنایتکاران رژیم دیدند.

این حرکت مبارزاتی تأثیرات خود را حتی بر میزبانان مرتجع جمهوری اسلامی یعنی سازمان مسیحی منونایت و کانادایی های شرکت کننده در کنفرانس و حتی نیروهای پلیس نیز نشان داد. این حرکت که جلوه کوچکی از تأثیرات اتحاد مبارزاتی بین فعالین سیاسی ایرانی و افغانی را به نمایش گذارد، به عنوان نمونه کوچکی یک بار دیگر ضرورت اتحاد عمل های مبارزاتی بین نیروهای مبارز اپوزیسیون را بیانگر بوده و یاد آوری نمود.

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

